

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ جنوری ۲۰۲۳

امتحان پی امتحان، تا چه وقت؟؟

یکشنبه- ۲۵ جدی ۱۴۰۱ - کابل: در یادداشت امروز تصمیم دارم یک تفکری را مورد انتقاد قرار دهم که برای من حداقل از ۴ دهه بدین سو و برای اکثریت مسلمانان از ۱۵ قرن بدین سو، ذهن شان را گاهی به خود ساخته و زمانی هم تسخیر نموده و آنها را از تلاش برای نجات شان باز داشته است، معطوف بدارم. این تفکر حکم "دنیا دار امتحان است" می باشد.

این که برای نخستین بار حکم "دنیا دار امتحان است" را کجا و چه وقت شنیدم و معنای آن را دقیق درک کردم نمی توانم به خاطر بیاورم، همین اندازه گفته می توانم که این جمله را حتا قبل از شمول به مکتب بارها از زبان بزرگان خانواده، حین مواجهه با کدام مصیبتی شنیده بودم، مگر این که معنایش را درک نموده باشم، صادقانه بنویسم بی نتیجه بود.

زمانی که در مکتب شامل شدم و در جریان تحصیل با پدیده ای به نام امتحان آشنا شدم و نتیجه آن را دیدم که در پی هر امتحانی یک نتیجه ای وجود دارد و کامیاب و یا ناکامی را معرفی می کند و از همه بالاتر برای گرفتن امتحان یک "مُمتَحِن" یعنی "گیرنده امتحان" و یک "امتحان دهنده" می باید وجود داشته باشد، سؤالی برابیم به وجود آمد که خوب حالا که "دنیا دار امتحان است"، امتحان دهنده که معلوم است انسان است، امتحان گیرنده چه کسی است؟؟

وقتی دهه ها قبل در پاسخ بدین سؤال، بزرگان خانواده، معلم علوم دینی و یا یگان ملای بخت برگشته، می گفتند که "ممتحن" خدا است، فکر می نمودم که این پاسخ چیزی نیست به غیر از آن که انسانها می خواهند بارگناهان و جنایات شان را بر دوش خالق که ادعای پرستش آن را دارند بیندازند، به علاوه برای خدائی که با استناد به گفته هایش در قرآن بر همه چیز حتا ضمیر و وجدان بنده هایش آگاهی دارد، چرا می باید امتحان کند؟ مگر نه این که نفس گرفتن امتحان از کسی و یا قومی اذعان عدم آگاهی ممتحن تا دیدن نتیجه امتحان است و اگر چنین نباشد امتحان خود به خود یک روند پوچ و بیهوده و اضافی است؟

دهه ها این جدال فکری خاموشانه در ذهنم جریان داشت بدون آن که نتیجه ای از آن گرفته باشم، تا این که سالها قبل از آغاز همکاری با پورتال ضمن یک صحبت از طریق "سکایپ" با استاد "موسوی" که تازه با ایشان آشنا شده بودم، مسأله را در میان گذاشتم.

ایشان بعد از شنیدن سؤال و خرده انتقاداتی که من بر پاسخها داشتم، صمیمانه افزودند:

"نکته اساسی این است که به مسأله از کدام منظری، نگاه می کنیم، یعنی هرگاه از دید یک لائیک چون این قلم به این مسأله نگریسته شود، به همان نتیجه ای می رسیم که شما رسیده اید، یعنی این که انسانها تا دیروز خدا را خلق نموده بودند، تا آنچه را نمی دانند و پاسخی هم در مورد چگونگی پیدایش، تکوین و عملکردش ندارند به او نسبت دهند، اینک که اندکی هوشیار شده اند، خدا را خلق نموده اند تا بار گناهان و جنایات شان را به گردن وی بیندازند؛ مگر در صورتی که بخواهیم به قضیه از منظر اسلام نظر بیندازیم می باید به قرآن مراجعه کنیم و ببینیم که آیا قرآن لباس ممتحن را بر تن بی جسم خدا پوشانده است و یا خیر؟"

ایشان بعد از رسیدن به اینجا ضمن آن که از چندین آیت قرآن یاد نمودند، به صورت مشخص با تکیه بر زبان صریح قرآن در آیت ۱۵۵ سوره بقره که می گوید:

"وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵) - و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می آزمائیم و مژده ده شکیبایان را (۱۵۵) این حکم که "دنیا دار امتحان است" پایه و اساس اسلامی دارد و قرآن صریح می گوید که "خدا" ی قرآن همان ممتحن می باشد"

هموطنان گرامی!

این پاسخ و این که قرآن خودش به ممتحن بودن "خدا" اذعان می دارد، بخش اول سؤال را که آیا این تفکر اسلامی است و یا نه پاسخ داد، مگر این که، خدائی که از امتحان گرفتن سیر نمی شود و امتحان پشت امتحان بدون آن که درسی داده باشد می گیرد برایم چنان نفرت انگیز شد که دیگر جایی برای پرستش آن باقی نماند.

بیانید از همین منظر به چهار و نیم دهه اخیر کشور مان نظر اندازیم:

* تره ک و ببرک و ماشین کشتار نوکران روس زیر نام حزب دموکراتیک خلق و چه و چه، کشتار مردم را به راه انداختند، گفتیم این امتحانیست که خدا از صبر و دین و دیانت و میزان اعتقاد به خودش می گیرد، نوکران روس تنها ابزار این امتحان اند؛

* - روسها خودشان از زمین و فضاء باران مرگ را بر سراسر کشور ما فرود آوردند، گفتیم امتحان ...؛

* - جهادی ها این نوکران بی آرم امپریالیسم و ارتجاع منطقه به خصوص پاکستان و ایران، دمار از روز گار مردم ما کشیدند، نه خانه و کاشانه گذاشتند و نه هم زن و دختر، آنچه را توانستند تاراج و نابود نمودند و آنچه از دستشان دور ماند، وادار به فرار ساختند. گفتیم امتحان ...؛

* - حاکمیت های قرون وسطائی و ضد انسانی پاکستان و ایران، میلیونها پناهجوی هموطن ما را در غل و زنجیر استبداد و ارتجاع مذهبی به بند کشیدند، گفتیم امتحان ...؛

* - طالب این از گوربرخاستگان تاریخ، مردم ما را "سنگ زیرین آسیاب" ساخت، گفتیم امتحان ...؛

* - امپریالیسم جنایتگستر آمریکا و شرکاء طی بیست سال تا توانستند از یک سو آدم کشتند و از سوی دیگر ما را با خود ما بیگانه ساختند، گفتیم امتحان ...؛

* - امپریالیسم آمریکا و شرکاء بعد از ۲۰ سال کشتار و ویرانی، حاکمیت را مجدداً به قره نوکران شان طالب سپردند و آنها را اختیار دار مرگ و زندگی ما ساختند، گفتیم امتحان ...؛

* - طالب و نظام ملاسالار هم ضمن کشتار بیدریغ دگر اندیشان آزاده، جهت فریب مردم جهان خود را به زنان گیر داده در پناه "زن ستیزی"، انسان ستیزی و خرد ستیزی " خود را پنهان می دارد، گفتیم امتحان ...؛

*- این که در ماه ها، هفته ها و روز های اخیر، گاهی سیل، گاهی زلزله و اکنون هم سرما و یخبندان به صد ها و هزاران انسان و حیوان بیگناه و درد مند ما را به کام مرگ می کشاند، باز هم می گوئیم، امتحان...؟! هموطنان گرامی!

این خدائی که اینهمه صبر ما را آزمایش می کند، هیچ فکر کرده است یک بار حداقل یک بار درجه حماقت و سببیت و توحش جنایتکارانه خودش را نیز آزمایش نماید؟ آخر این چه نوع ممتحنی است که بعد از ۴۵ سال و اخذ این همه امتحان هنوز هم نتیجه را نگرفته، باز هم امتحان پی امتحان دوام دارد؟ نکند پارچه های امتحان را ندیده، پاره می کند و امتحان دیگری اخذ می نماید؟ هموطنان گرامی!

بیانید حال که با چنین ممتحنی رو به رو هستیم که عقده های سادیستی اش را می خواهد زیر نام و پوشش امتحان با شکنجه و عذاب مردم ما ارضاء نماید، عطایش را به لقایش بخشیده، صحنه امتحان را به محاکمه خودش و مجریانش مبدل سازیم و نگذاریم بیش از این در پناه "امتحان"؛ دار و ندار ما را نابود نماید. بگذارید نمره "صفر" بدهد، اما سرانجام نتیجه را اعلام دارد. این را بدانیم که در "پارچه ناکامی آرامشی است که در بی خبری از نتیجه نیست".

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!